تدوین جهان مبتنی بر عدد در قرآن

بعضی از چیزها در زمان ما معروف شده. اینکه پایش به کجا بند است ما تابع اینها نیستیم؛ موجودات قوی هست. اما اگر ما پی جویی کنیم از ناحیه عصمت دلیل زیادی میخواهیم. مثلاً عدد ابجد حدید بیست و شش است. یعنی دقیقاً همان عدد اتمی جدول تناوبی آهن. در زبان عربی عدد کلمه حدید بیست و شش است. سوره پنجاه و هفتم هم هست. درست وسط قرآن قرار گرفته با عدد پنجاه و هفت. حالا عددهای به اینها علاقه داشته باشند ... ؛ از این حیث خوب است که وقتی ما میگوییم تدوین تکوینی است گاهی آدم به یک چیزهایی میرسد و میبیند...؛ یک روزی عرض کردم که عالم از جهات مختلف محفوف به اعداد است. به ریاضیات است. از جدول تناوبی گفتم. از فرکانس طبیعی اشیاء گفتم. فرکانس طبیعی اشیاء خیلی مهم است. هر شیئی و هر عضوی از شیء برای خودش عددی دارد. یعنی خدای متعال هر شیئی را با یک عدد اتعاشی نگه داشته. امروزه کالشمس است و دارند از آنها بحث میکنند. حالا اگر قبلاً میگفتند، میگفتند مگر سنگ دلش عدد هست؟! این چه حرفهایی است؟! اما الآن میگویند. عناصر همچنین است. تمام عناصر به عدد برمیگردد. ایزوتوپ های آن به عدد بر میگردد. اوصاف آنها به عدد بر میگردد. اینها شوخی نیست. تمام نور به عدد بر میگردد.

اگر بگوییم خدای متعال که این تکوین را آفریده، به علم خودش قرآن را بازتاب آن قرار داده. ظاهرا من در تفسیر عیاشی خواندم؛ ان القرآن یجری کما یجری اللیل و النهار. میگوییم یعنی چه؟ میگوییم اگر قرآن فرموده وقتی ظلم بکنید معاقب میشود، خب هر کسی صبح گناه بکند یجری کما یجری اللیل و النهار. یعنی قرآن کلیاتی فرموده که دائما هست. این معنایی است که همه میفهمند. اما اگر این بحث مطرح شود میبینید یک فضای دیگری به پا میشود. «یجری کما یجری اللیل و النهار» یعنی چون ریخت کار قرآن تدوین است بخشی از کارش حکمت است و بخشی از آن کتاب است. یعنی بستر همانی که امام علیه‌السلام از علمشان به کتاب دارند را نشان میدهد. به آن راوی فرمودند ما حفر داریم، فلان داریم و... ، گفت عجب این چه علم عظیمی است، ایبن رسول الله! حضرت فرمودند «انه لعلم و لیس بذلک»؛ یعنی بله، این خیلی علم است اما آن چه که باید باشد نیست. در کافی شریف هست. تا جایی که دیگر عاجز شد و دید بالاتر از این علومی که حضرت میفرمایند اصلاً ندارید. عرض کرد «ایبن رسول الله فما العلم؟»؛ آن علمی که شما میگویید لیس بذلک و... چیست؟ فرمودند: «ما يحدث بالليل و النهار الأمر من بعد الأمر و الشيء بعد الشيء إلى يوم القيامة»[۱]. علم او سبب میشود که حالت الامر بعد الامر را قرآن نشان دهد. این خیلی تفاوت میکند از حیث بازتاب معنا.

این بحثها چیزهایی است که به امثال بنده نمیآید. ولی بعضی از چیزها که برای بنده جالب بوده؛ بعضی از چیزها خاطرات است. من سلیقتا این طورم که دنبال اینها نمیروم اما خب گاهی انسان میماند که چه بگوید. چند بار عرض کردم. خاطره شخص من است. در کتابخانه بودم کتابی را راجع به علوم قرآنی برداشتم. نوشته بود تعداد واژه «الیوم» که در قرآن به کار رفته ۳۶۵ بار است. معادل ایام سال است. من این را در کتاب خواندم. این را خواندم و به خانه آمدم «المعجم» در آن جا بود. آن را برداشتم و دیدم ۳۵۴ الیوم بود و ظاهراً شانزده مورد هم «یوما» بود. من یادم هست که شد ۳۶۴ مورد. اینکه میگوییم خاطره میماند برای این است: من کامل یادم هست؛ کتاب را بستم و

گفتم می‌خواهی یکی روی آن بگذاری تا درست شود. خب اگر سال ۳۶۵ روز است اما در قرآن کریم ۳۶۴ است، نمی‌شود که شما یکی را روی آن بگذاری. این‌طور نیست. این حال من بود که یک نحو اعتراض به آن کتاب بود که دیده بودم. این خاطره برای من بود. خاطره‌ای هم هست که کم نیست. عدد ۳۶۵ است. مدتی گذشت به یک مناسبتی مقدمه محمد فواد عبد الباقی مصری در المعجم را می‌خواندم. دیدم نوشته من خیلی زحمت کشیده‌ام، همه این‌ها را با دستگاه کامپوتر محاسبه کرده‌ام. ولی با همه زحماتی که کشیده‌ایم متأسفانه اشتباه شده. پانزده مورد حساب نشده است. شما در المعجم خودتان تصحیح کنید. یکی از آن‌ها سوم بود. این خیلی جالب است. او می‌گوید ما با کامپوتر و محاسبه زحمت کشیده‌ایم و در نهایت ۳۶۴ تا شده که یکی از آن‌ها از دستمان در رفت. خدای متعال می‌گوید نه، در کتاب ما ۳۶۵ مورد است. اگر من آن عتاب را به صاحب کتاب نکرده بودم که یادم نمی‌ماند.

خب در کتابخانه کتاب را باز کردم و دیدم گفته تعداد روز در قرآن کریم ۳۶۵ روز است. اما آمدم خانه و حساب کردم دیدم یکی کم آمد. یکی حالی شدم. گفتم می‌خواهی یکی روی آن بگذاری؟! بعد از مدتی خودم در مقدمه ببینم که می‌گوید در المعجم یکی افتاده است. یکی اضافه کنید تا دقیقاً ۳۶۵ شود. این‌ها چیزهایی است که امیرالمؤمنین فرمودند «لاتفنی عجائبه». در قرآن عجائبی هست که تمام شدنی نیست. حال خدای متعال هم این‌ها را برای چه زمانی می‌گذارد، خودش می‌داند. الآن که ما خبر نداریم پنجاه سال بعد، صد سال بعد چه چیزهایی می‌گویند؟ امروزه هم این‌ها در دست ما است. ما خبر نداریم.

---

[1] الكافي (ط - الإسلامية)، ج۱، ص: ۲۳۹ :و إن عندنا لمصحف فاطمة ع و ما يدريهم ما مصحف فاطمة ع قال قلت و ما مصحف فاطمة ع قال مصحف فيه مثل قرآنكم هذا ثلاث مرات و الله ما فيه من قرآنكم حرف واحد قال قلت هذا و الله العلم قال إنه لعلم و ما هو بذاك ثم سكت ساعة ثم قال إن عندنا علم ما كان و علم ما هو كائن إلى أن تقوم الساعة قال قلت جعلت فداك هذا و الله هو العلم قال إنه لعلم و ليس بذاك قال قلت جعلت فداك فأي شيء العلم قال ما يحدث بالليل و النهار الأمر من بعد الأمر و الشيء بعد الشيء إلى يوم القيامة.

بازبینی #2
ایجاد شده 14 آوریل 2024 15:20:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 10:01:26 توسط ... .